

ماهنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره دوم - اردیبهشت ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۸

مقایسه تطبیقی عشاق نامه عبید زاکانی و روح العاشقین شاه شجاع کرمانی

از منظر ساختار ده نامه سرایی

(ص ۲۱۳-۲۳۲)

پروانه گندمکاری^۲؛ محمد رضا قاری (نویسنده مسئول)^۳

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۷

چکیده

ده نامه، گونه ای از ادبیات غنایی است که بیشتر در قرن هشتم سروده شده و در حالات عاشق و معشوق می باشد، بدین شکل که بیشتر آنها حاوی ده نسخه نامه به ترتیب یک در میان، از زبان عاشق و معشوق به یکدیگر است. ده نامه ها از یک طرح و ساختار مشترک پیروی میکنند، ساختاری نظیر داشتن مقدمه (تحمیدیه، نعت، سبب نظم کتاب)، بدنه اصلی (تبادل نامه های ده گانه بین عاشق و معشوق)، و نهایتاً خاتمه الکتاب (تعداد ابیات، سال سرودن، نام اثر). قالب اصلی ده نامه ها مثنوی است اما گاه در لابه لای نامه ها هم غزلی، چاشنی مثنوی میشود. هم سوئیها و اشتراکات موجود، و همچنین افتراقات و ویژگیهای منحصر بفردی که از لحاظ معنایی و محتوایی بین ده نامه ها وجود دارد، باعث شد برخی پژوهشگران، آثاری را که تنها دارای موضوع نامه نگاری بین عاشق و معشوق هستند را ده نامه بنامند؛ برعکس برخی ادبا تنها آثاری را ده نامه دانسته اند که دارای ساختار کامل ده نامه ها باشد. در این پژوهش، ابتدا ضمن معرفی ده نامه و بیان ویژگیهای صوری و محتوایی آنها، سعی شده تا تعریف دقیقی از آن ارائه شود و با توجه به این ویژگیها، منظومه عشاق نامه عبید زاکانی با یکی از ده نامه های مهم قرن هشتم (دوره رواج ده نامه سرایی) مقایسه و بررسی شده است تا بدان طریق میزان تشابه عشاق نامه با روح العاشقین بعنوان یکی از ده نامه های قرن هشتم و امکان نامیدن این اثر به عنوان «ده نامه» اثبات شود.

کلمات کلیدی: ده نامه، عشاق نامه، روح العاشقین، عاشق و معشوق

^۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

^۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اراک

**A Comparative Comparison of the Oshagnameh of Obeid Zakani
and the Roholashegine of Shah Shojaee Kermani
From the perspective of the structure of ten letters**
Parvaneh Gandomkari¹, Mohamad Reza Ghari²

Abstract

The Ten Letters is a type of rich literature that is mostly written in the eighth century and is in the state of love and affection, most of which contain ten copies of the language of the lover and lover, respectively. The ten letters follow a common design and structure, such as having a preface (endorsement, obedience, ordering the book), the main body (ten letters between a lover and a lover), and finally the ending (number of verses, year of writing, name Effect) . The original format of the ten letters is Mathnawi, but sometimes in the middle of the letters it is also called the Masnavi.

The existing similarities and commonalities, as well as the unique and semantic differences and features between the ten letters, have led some scholars to call the works only the subject of correspondence between the lover and the beloved; Some scholars have considered only ten letters to be complete with ten letters.

In this study, firstly, while introducing the tenth letter and describing its formal and content features, it is attempted to provide a precise definition of it, and in view of these characteristics, the love affidavit of Obeid Takani with one of the ten important letters of the eighth century (tenth period). Letter-writing) has been compared to examine the extent to which the love affair with the Spirit of Love is one of the ten letters of the eighth century and the possibility of naming this work as the "Ten Letters".

Keywords: Dahnameh,, oshagnameh Roholashegin, Lover and beloved

¹ PhD student of Persian language and literature, Islamic Azad University, Arak, Iran

² Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Arak, Iran
(mr-ghari@iau-arak.ac.ir)

۱- مقدمه

ده نامه در عرف ادب معمولاً گونه ای از منظومه های غنایی است که بیشتر آنها حاوی ده نسخه نامه به ترتیب یک در میان از زبان عاشق و معشوق به همدیگر بوده و در لابه لای نامه ها هم غزلی چاشنی مثنوی میشود. مرحوم دکتر صفا ده نامه (عشاق نامه) فخرالدین عراقی را منشأ ده نامه ها در ادب فارسی میداند.

همه ده نامه ها به یک گونه نیستند، ده نامه ها را میتوان بر حسب داشتن یا نداشتن و کیفیت نامه ها به سه دسته تقسیم کرد: ده نامه بی نامه، ده نامه یکسویه و ده نامه دوسویه. ده نامه های بی نامه، آثاری است که در ادبیات فارسی به ده نامه شهرت دارد؛ اما بدنه آنها را نامه ها تشکیل نمیدهد. از این دسته ده نامه ها، سه ده نامه مشهور در ادبیات فارسی داریم: ده نامه فخرالدین عراقی، ده نامه همای تبریزی و ده نامه شرف الدین رامی.

نوع دیگر ده نامه ها، ده نامه های یکسویه است. بدنه این ده نامه ها را نامه ها تشکیل میدهد، اما نه نامه های دو طرف (عاشق و معشوق) به همدیگر، بلکه نامه های یکسویه که فردی برای فرد یا افراد دیگر میفرستد. از این نوع ده نامه، دو ده نامه مشهور در ادبیات فارسی میبینیم یکی ده نامه فخرالدین اسعد گرگانی و دیگری ده نامه عماد فقیه. در این ده نامه ها جواب نامه ای نمیبینیم. البته این بدان معنی نیست که هرگز این نامه ها جواب داده نشده است بلکه اگر جوابی داده شده، جواب نامه جزو ده نامه به حساب نمی آید.

نوع دیگر ده نامه ها، ده نامه های دوسویه است. وقتی صحبت از ده نامه ها در ادب فارسی به میان می آید معمولاً منظور از آن همین نوع از ده نامه ها میباشد. ده نامه های دو سویه معمولاً ده نامه هایی است که در آن دو قطب عشق یعنی عاشق و معشوق که معمولاً نامشان برده نمیشود به همدیگر نامه مینویسند (ده نسخه) که پنج نسخه نامه از سوی عاشق و پنج نسخه نامه از سوی معشوق میباشد. نامه ها یک در میان از سوی عاشق و معشوق به همدیگر است یعنی نامه های به شماره فرد از سوی عاشق و نامه های به شماره زوج از سوی معشوق میباشد. نامه های عاشق حاوی نیاز و سرگردانی او و نامه های معشوق حاوی ناز و سرگردانی اوست. در لابه لای هر یک از نامه ها نیز غزلی اصولاً بر وزن مثنوی از زبان عاشق یا معشوق بیان میشود که بیانگر نیاز و ناز هر یک از طرفین میباشد. مشهورترین این ده نامه ها عبارتند از: ده نامه (منطق العشاق) اوحدی مراغی، ده نامه (تحفه العشاق) رکن صاین هروی، ده نامه (محبت نامه) ابن نضوح شیرازی، ده نامه (روضه المحبین) ابن عماد خراسانی شیرازی، ده نامه (محبوب القلوب) حریری و ده نامه (روضه العاشقین) عزیزالله زاهدی.

ده نامه ها از یک طرح و ساختار مشترک پیروی میکنند، یعنی دارای مقدمه (تحمیدیه، نعت، سبب نظم کتاب)، بدنه اصلی (تبادل نامه های ده گانه بین عاشق و معشوق)، و نهایتاً خاتمه الکتاب (تعداد ابیات، سال سرودن، نام اثر) هستند. اوج ده نامه سرایی در ادبیات فارسی در قرن هشتم هجری میباشد.

از آنجا که ده نامه معمولاً دارای غزلیاتی در مطای مثنوی میباشد، میتوان پیش از ده نامه به آثاری ده نامه گونه اشاره کرد. منظور از ده نامه گونه ها آثاری است که از نظر زمانی معمولاً

پیش از ده‌نامه بوده و ساختاری چون ده‌نامه دارد، یعنی در لابه‌لای مثنوی، غزل گنجانده شده است.

در تذکره‌ها، کتابهای تاریخ ادبیات، فهرستها و سایر مراجع به دلیل گستردگی و پراکندگی موضوعی، گاه مطالبی نقل میشود که نمیتوان به درستی همه آنها اطمینان داشت؛ یکی از آن موارد، انتساب آثار نسبتاً زیادی به ده‌نامه هاست. این وضعیت گاه نیز حاصل پیش‌داوریهای غیر تحقیقی و اعتماد بدون مراجعه به اصل آثار است که برخی محققان مرتکب شده‌اند و به اندک نشانه‌ای مانند شباهت نام یا اشاره صرفاً واژگانی و نه اصطلاحی، یا صرف یادکرد شخصی و مشاهده در کتابی، حکم به تعلق اثری به نوع خاصی داده‌اند؛ با توجه به اینکه چارچوب ده‌نامه چه از نظر موضوعی و چه از نظر ساختاری ویژگیهای مشخصی دارد؛ لازم است آثاری که عنوان ده‌نامه بر آنها نهاده شده از هر دو جنبه بررسی شوند تا حقیقت امر مشخص گردد که آیا میتوان آنها را ده‌نامه دانست یا نه. در این پژوهش پس تعریف ده‌نامه، منظومه عاشق‌نامه عبید زاکانی با یکی از ده‌نامه‌های معروف قرن هشتم به نام روح العاشقین اثر شاه شجاع کرمانی؛ از نظر محتوایی و ساختاری مقایسه میشود تا به این نتیجه برسیم که به چه دلایلی منظومه عاشق‌نامه عبید زاکانی را هم میتوان نوعی ده‌نامه نامید.

۲- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

با توجه به جایگاه ادبیات غنایی در ادبیات فارسی و وجود ده‌نامه‌ها، نقد و بررسی این گونه ادب غنایی- با توجه به معیارهای نقد و تحلیل-میتواند در حوزه ادبیات غنایی و نقد ادبی راهگشای محققان باشد. از این رو نویسنده این مقاله، بر آن است تا با معرفی و تعریف دقیق ده‌نامه و مقایسه و بررسی دقیق منظومه عاشق‌نامه عبید زاکانی و منظومه روح العاشقین شاه شجاع کرمانی، آنها را از منظر محتوا و ساختار، بررسی و ارزیابی نماید.

۳- روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق با توجه به موضوع، از نوع توصیفی-تحلیلی است و به شیوه جمع‌آوری داده‌ها به شکل کتابخانه‌ای و با استفاده از یادداشت‌برداری انجام شده است و از نظر هدف این تحقیق جزء تحقیقات نظری محسوب میگردد.

۴- پیشینه تحقیق

پس از جستجوی فراوان مشخص شد که تاکنون بررسی مفصل و مشروح و مستقلى در خصوص بررسی ساختار و محتوایی ده‌نامه‌های ادب فارسی صورت نگرفته است؛ اما به طور پراکنده مطالبی در این موضوع در برخی کتابها دیده میشود، مانند پژوهشهای ذبیح الله صفا در کتاب تاریخ ادبیات در ایران و رستگار فسایی در کتاب انواع شعر فارسی. علاوه بر این، مقاله‌هایی نیز تاکنون در خصوص ده‌نامه منتشر شده است که برخی از آنها عبارتند از: - پزشکی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «در مکنون ده‌نامه‌ای عرفانی و ناشناخته در ادب فارسی» را مورد مطالعه قرار داد. در این پژوهش تلاش نگارنده بر آن بوده که برای نخستین بار این ده‌نامه نو را معرفی کند.

- فرصتی جویبار (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «ده‌نامه سرایی در ادبیات فارسی» این نوع ادبی را مورد مطالعه قرار داده است.

- باباصفری و حیدری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «سیر تطور ده‌نامه و سی‌نامه سرایی در شعر فارسی با تکیه بر تحلیل ساختاری و محتوایی» را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این پژوهش به تحلیل محتوا و ساختار این گونه‌ادبی پرداخته شده و ۳۰ ده‌نامه و سی‌نامه به ترتیب تاریخی معرفی شده است.

- یلمه‌ها (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «حب و محبوب، منظومه غنایی نفیس و ناشناخته» را مورد مطالعه قرار داد. این پژوهش برای نخستین بار به معرفی این منظومه نفیس متعلق به قرن هشتم هجری که از جهت ادبی دارای ارزش فراوانی است، پرداخته است.

- خراسانی و داودی مقدم (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل ده‌نامه‌های ادب فارسی از دیدگاه انواع ادبی» را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این تحقیق پس از معرفی ۲۳ منظومه به نام ده‌نامه، تنها هفت منظومه را کاملاً با معیارهای تعیین‌کننده ژانر ده‌نامه همخوان معرفی می‌شود.

- تاج‌بخش و حسن‌پور (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «سبک‌شناسی ده‌نامه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی» را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این مقاله، به بررسی سبک‌شناسی این نامه‌ها در سه سطح فکری، زبانی و ادبی پرداخته شده است.

۵- تعریف ده‌نامه و ویژگی‌های آن

ده‌نامه، منظومه‌ایست عاشقانه که در طی آن عاشق و معشوق با هم‌نامه‌نگاری میکنند و از آنجایی که عدد نامه‌ها به ده میرسد به آن «ده‌نامه» می‌گویند. که پنج نامه از جانب عاشق است و پنج نامه از جانب معشوق. عاشق در ازای هر نامه که به کوی معشوق می‌فرستد، جوابی از او دریافت میکند. «ده‌نامه عبارت است از شرح حال یک عاشق و نامه‌های عاشق و معشوق به یکدیگر و بیان احوال عشق و آوردن غزلهایی از زبان عاشق و معشوق در مطاوی کلام» (تاریخ ادبیات در ایران: ص ۱۱۲۸).

در ابتدای ده‌نامه‌ها، تحمید الهی و نعت سیدالمرسلین، اغلب مدح یکی از بزرگان عصر، سبب نظم کتاب و مناجات دیده می‌شود؛ در ادامه، بدنه اصلی ده‌نامه (تبادل ده عدد نامه و کنش و واکنش عاشق و معشوق) و در پایان، بخشی تحت عنوان خاتمه الکتاب آمده است. بیشتر ده‌نامه‌ها به بحر هزج مسدس محذوف / مقصور بوده و معمولاً غزلیاتی از زبان عاشق و معشوق در مثنوی درج است. «تنظیم و سرایش ده‌نامه‌ها در این دوره شکل و شیوه ویژه‌ای دارد. هر ده‌نامه منظومه‌ای مستقل و جداگانه است که با مقدمه‌ای در توحید، نعت پیامبر اکرم (ص) آغاز می‌شود و شامل پنج نامه از سوی عاشق به معشوق و پنج نامه از معشوق در پاسخ عاشق است. هر یک از نامه‌ها مذیل است به غزلی در وزن منظومه و با رعایت قافیه، بیتی با عنوان مثنوی یا فرد، ابیاتی با عنوان خلاصه سخن یا حکایت و مصدوقه و تمامی سخن و بالاخره فصلی با عنوان «خاتمه». پایان بخش اغلب این ده‌نامه هاست» (ده‌نامه روح‌العاشقین چشم‌اندازی به وقایع عصرحافظ: ص ۵۶).

اینکه نخستین ده‌نامه با آرایش صوری و نظم محتوایی آن توسط کدام شاعر سروده شده است محل بحث است. برای اولین بار اصطلاح ده‌نامه گفتن در ویس و رامین دیده می‌شود. در این اثر ده‌نامه از جانب ویس به رامین نوشته شده و رامین در ازای این ۱۰ نامه، فقط یک نامه در جواب مینویسد. استاد صفا در تاریخ ادبیات ایران چنین مینویسد: «روش عراقی بعداً منشأ ایجاد منظومه‌هایی به نام ده‌نامه گردید مثل ده‌نامه اوحدی و عشاق نامه عبید زاکانی و ده‌نامه یا روضه المحبین ابن عماد شیرازی و ده‌نامه عماد فقیه کرمانی، اگر چه این آخری شیوه خاص دیگری دارد» (تاریخ ادبیات در ایران: ص ۵۷۷). ایشان ده‌نامه عراقی موسوم به عشاق نامه را منشأ ایجاد ده‌نامه های بعدی میدانند در حالیکه رشید عیوضی نظر دیگری دارد: «کهنترین ده‌نامه‌ای که با آرایش یاد شده در دست است، منطق‌العشاق اوحدی مراغه‌ای (۷۳۸-۶۷۳ ه.ق) است» (ده‌نامه‌گویی در ادب فارسی: ص ۵۳۶). به همین دلیل در شمار ده‌نامه‌هایی که نام میبرد از ده‌نامه عراقی یاد نمی‌کند و پیش از بر شمردن ده‌نامه‌ها فقط از ده‌نامه عراقی، آن هم با استناد به توضیحات دکتر صفا یاد میکند به این دلیل که اوحدی در منطق‌العشاق اظهار داشته که شاه یوسف- نبیره خواجه نصیرالدین طوسی- از او خواسته تا ده‌نامه ای به طرز جدید بسراید و آنچه را مورد نظر آنها به عنوان ده‌نامه پیشین و کهنه بوده است؛ در احتمالی ضعیف، عشاق نامه میدانند و البته از صحبت نامه همام تبریزی و ده‌نامه عماد فقیه نیز تحت عنوان آثاری که فقط شباهت به ده‌نامه ها دارند ولی ده‌نامه نیستند یاد میکند. (ده‌نامه‌گویی در ادب فارسی: ص ۵۲۶)

بر مبنای سال سروده شدن و تاریخ زیست شاعران ده‌نامه سرا - طبق اطلاعاتی که امروزه در دست ماست - میتوان گفت که در قرن هشتم هجری از نظر زمانی، ده‌نامه سرایی و طبع آزمایی شاعران در سرودن این قالب ترکیبی بیشترین رواج را داشته‌است. البته با تعریف کلی و بدون تعمق در مفهوم ده‌نامه و مصادیق آن، گستره زمانی وسیعتری را برای سرودن آن در نظر گرفته‌اند «در قرون بعدی زمانی که ادیبان در طلب طرحی نو و به دنبال حلاوتی دیگر بودند، از شیوه نامه - نگاری با آرایش و ترتیبی خاص، قالبی جدید می‌پزدازند که با عنوان «ده‌نامه» فصل مخصوصی از تاریخ ادبی ایران را در مدتی نزدیک به دو سده از اواخر قرن هفتم تا قرن نهم هجری به ویژه در قرن هشتم به خود اختصاص میدهد» (ده‌نامه‌روح‌العاشقین چشم‌اندازی به وقایع عصر حافظ: ص ۵۶).

در ده‌نامه‌ها وزن در سراسر منظومه ثابت است و هر دو قالب مثنوی و غزل به کار می‌روند. شیوه به کارگیری دو قالب بدین صورت است که مقدمات کتاب شامل تحمیدیه الهی و نعت پیامبر اکرم (ص) و ... در قالب مثنوی سروده میشوند تا بدنه اصلی ده‌نامه (تبادل نامه‌ها) آغاز میشود. در ده‌نامه‌ها همیشه فرستنده نامه اول، عاشق است. تا جایی که نامه اول از قول عاشق گفته میشود قالب مثنوی است و سپس غزلی در ادامه نامه می‌آید. (در موارد بسیاری بیت آخر نامه و بیت آغازگر غزل، موقوف المعانی هستند). پس از پایان یافتن غزل، بیتی تحت عنوان «فرد» می‌آید و سپس بخشی ذیل عنوان تمامی سخن در قالب مثنوی آورده میشود.

نمودار ساختاری ده‌نامه در هر نامه بدین صورت است: ۱- متن نامه (در قالب مثنوی). ۲- غزلی از زبان عاشق یا معشوق. ۳- بیت فرد ۴- تمامی سخن (در قالب مثنوی). این ۴ بخش به ترتیب یاد شده جزء لاینفک نامه‌های هر کدام از ده‌نامه‌ها هستند ولی در مواردی بنا بر سلیقه شاعر دیده شده که مواردی ذیل عنوان «آگاه شدن معشوق از حال عاشق» و یا «خبر رسیدن از معشوق به عاشق» و یا بخشی تحت عنوان «خلاصه سخن» آورده شده است که همه این موارد در قالب مثنوی هستند. در ضمن، در همه ده‌نامه‌ها بنا به ضرورت و اقتضای کلام در حین نامه‌ها ممکن است حکایاتی به فراخور حال آورده شود. در همه ده‌نامه‌ها، نامه‌های فرد (۱، ۳، ۵، ۷ و ۹) از جانب عاشق و نامه‌های زوج (۲، ۴، ۶، ۸ و ۱۰) از جانب معشوق فرستاده می‌شود. در نهایت نیز بخشی به عنوان خاتمه می‌آید که در آن، سال سرودن، شمار ابیات و نیز نام اثر آورده می‌شود.

موضوع ده‌نامه شرح نیاز عاشق و ناز نمودن معشوق در قالب نامه‌هایی است که به یکدیگر می‌نویسند. در ابتدا موضع معشوق، نامهربانی و بی‌اعتنائی است و به عجز و اشتیاق عاشق وقعی نمی‌نهد ولی سرانجام که اصرار عاشق و خلوص محبت او را در می‌یابد با او از سر ملاطفت و مهربانی در می‌آید و او را به وصال وعده می‌دهد. شخصیت‌های اصلی در هر ده‌نامه، عاشق و معشوق هستند و قاصد (پیک نامه رسان) که در غالب ده‌نامه‌ها باد صباست؛ شخصیت فرعی محسوب می‌شود.

سابقه آشنایی عاشق و معشوق و چگونگی آشنایی آنها با هم اصولاً به شکل داستان‌وار مطرح نمی‌شود و آغاز داستان از آنجایی است که فقط سراینده خبر وجود چنین عشقی را می‌دهد و سپس به بیان اظهار نیاز عاشق می‌پردازد. اصولاً پیک (معمولاً باد صبا) نامه عاشق و معشوق را به همدیگر می‌رساند. سرانجام بیشتر اینگونه ده‌نامه‌ها نیز به وصال منجر می‌شود و معمولاً غزل دهم که از زبان معشوق به عاشق است مژده وصال به عاشق می‌باشد.

۶- مقایسه عشاق نامه عبید زاکانی با روح‌العاشقین

۶-۱- مقدمه

۶-۱-۱- تحمیدیه

شاعران در ده‌نامه‌ها (و تمامی آثار ادبی) بنابر سنت ادبی رایج که برخاسته از توصیه نبوی در حدیث «کل امری لم یبدأ فیه بسم الله فهو ابتر» است، آغاز منظومه خویش را با ستایش قدرت و آفرینش حق تعالی مزین ساخته‌اند. این ستایشها هر کدام ویژگی خاص خود را دارند و هر شاعر بر مبنای جهان‌بینی و معرفت خود از زاویه‌ای، زبان به تحمیدیه الهی گشوده است که بررسی هر کدام از این تحمیدیه‌ها چه از لحاظ محتوا و چه اسلوب بیان علاوه بر نشان قدرت ادبی هر شاعر، ذهنیت او را نیز نمایان می‌سازد. اما در ابتدای منظومه عشاق نامه، تحمید خداوند دیده نمی‌شود. اگرچه ای منظومه با نام خداوند شروع می‌شود ولی ذکر نام خداوند مقدمه ای است برای مدح ممدوح:

خدایا تا ازین فیروزه ایوان فروزد ماه و مهر و تیر و کیوان

جهان محکوم سلطان جهان باد فلک مامور شاه کامران باد
(کلیات عبید زاکانی: ص ۲۸۳)
در ابتدای منظومه روح العاشقین پیش از توحید حق تعالی، مقدمه‌ای منثور به قلم شاه شجاع آمده است:

"بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين" چون از اقتضای قضای کردگار و تواتر لیل و نهار چنان افتاد که میان این ضعیف اقل عباد الله الغفور شاه شجاع بن محمد ابن المظفر بن المنصور و برادرش محمود اصلح الله شأنهما و جعل غابر من عمرهما خیراً من ماضیهما به واسطه افساد حساد به منازعت و عناد انجامید چنانکه که مشهور شد و همگنان را معلوم ز نزدیک و دور غرض که در آن سرگردانی و پریشانی دفع‌الملال و اشغال خاطر را از محیط ضمیر زخار هر روز چند درر ابرار به سعی غواص افکار برون می‌آورد و در سلک نظم می‌کشید تا از سواد خامه یک ده‌نامه منظم گشت و آن را روح العاشقین نام نهاد و از ارباب‌الفضل مأمول که اگر آنجا زحفی یا خطایی ببندد ذیل اغماض و معذرت مبسوط گردانند چه در ایام تفرقه و ملالت خاطر اتفاق افتاد انشاءالله.

اگر طبعم به حال خویش بودی ابا را چاشنی زین بیش بودی
اگر زحفی بود در وی نگیرند کرام الناس عذر ما پذیرند
و دیگر چون درین طور که این ضعیف است اگر خطاب اندک مایه صفت منازعت خود از روی ضرورت کرده‌باشد حمل نوعی از تجبر نفرمایند گفته‌اند که عند الضرورات تبیح المخطلات و الله قابل‌التوب و غافر‌السیئات. " (شاه شجاع: ص ۷۰)
روح‌العاشقین شاه شجاع کرمانی بر وزن منظومه "خسرو و شیرین" نظامی سروده شده‌است و بیت آغازین تحمیدیه برگرفته از عبارت آغازین نخستین بیت تحمیدیه در خسرو و شیرین است:

به نام آنکه هستی نام ازو یافت فلک جنبش، زمین آرام ازو یافت
(خسرو و شیرین: ص ۲)
در روح‌العاشقین اولین بیت آغازگر این تحمیدیه، ناظر به حمد الهی به خاطر گستره قدرت اوست:

به نام آنک اندر پادشاهی ز اوج ماه دارد تا به ماهی
(شاه شجاع: ص ۷۱)

اینکه شاه شجاع که خودش دستی در پادشاهی دارد؛ خداوند را به این دلیل میستاید که حیطة پادشاهی گسترده‌ای دارد؛ جالب توجه است و سپس در مورد قدرت خداوند در آفرینش سخن می‌گوید و صفات الهی همچون قدیم، قادر، مُحی‌رَمیم، کریم‌الذات بودن خدا را بیان میکند.

فروزان شمع خاور گشته اوست فلک گرد جهان سرگشته اوست
کریم‌الذات و ذوالفضل‌العظیم است قدیم و قادر و مُحی رَمیم است
عناصر مختلف با هم از او شد کمی خاک ضعیف آدم از او شد
(شاه شجاع: ص ۷۱)

سپس از آنجایی که موضوع کتابش عشق است؛ بسیار زیبا گریزی به عشق میزند. زیبایی روی نگاران را برخاسته از زیبایی الهی میداند که در وجود آنها نهاده شده و علت مفتون شدن عاشقان را همین زیبایی میداند و عالم را حول محور عشق، گردانده و چرخان میداند: نهاده حسن خود در روی خوبان / از آن شد دام دل گیسوی خوبان
نظر که بر جمال شاهدان کرد / پریشان فتنه جان عاشقان کرد
به عشق خویش گردون ساخت افلاک / نهاد او عشق را در جوهر خاک (همان)

تحمیدیه روح‌العاشقین، شامل ۱۲ بیت است که بیت آخر آن مقدمه‌ایست برای شروع نعت پیامبر:

نخستین عشق اندر آدم آمد / ولی آدم به عشق خاتم آمد
(همان)

۶-۱-۲- نعت پیامبر اکرم(ص)

در ابتدای منظومه عشاق‌نامه، نعت رسول اکرم (ص) دیده نمیشود. شاه شجاع در روح‌العاشقین، در بخش نعت پیامبر اکرم(ص) با عنوان: «فی نعت سید المرسلین» طی ۱۵ بیت، به نعت و ستایش رسول اکرم (ص) پرداخته است و سه بیت به زبان عربی در اثنای نعت رسول اکرم به کار برده است:

نسیم الصبح قد بلغ السلام / علی ختم الرسل خیر الأنام
سلاماً فی الغدو و العشایا / علی کھف البریه و البرایا
ملاذی فی الرجا یا نور عینی / شفیع الخلق و بدر الخافقینی
(شاه شجاع: ص ۷۲)

دو بیت پایانی این بخش، سلام و درودی است که نثار ۳ خلیفه و حضرت علی (ع) می‌گردد: درود از ما فرونتر از کواکب / فرونتر از مشارق وز مغارب
به جان چار یار مهربانش / پیاپی بر روان پیروانش
(همان)

۶-۱-۳- مناجات

در ابتدای عشاق‌نامه، مناجات دیده نمیشود. البته در پایان منظومه، ۳۳ بیت مناجات آمده است. در مقدمه روح‌العاشقین نیز، بخشی و یا ابیاتی با محوریت مناجات دیده نمیشود.

۶-۱-۴- سبب نظم کتاب

در همه ده‌نامه‌ها پیش از آغاز داستان، سبب تألیف کتاب ذکر گردیده است که دانستن انگیزه سرایندگان آنها خالی از لطف نیست. در هر کدام از ده‌نامه‌ها، مؤلف علت سرودن اثر خویش را در بخشی تحت عنوان «سبب نظم کتاب» بیان می‌کند که در طی آن انگیزه‌های اصلی وی برای سرودن ده‌نامه مشخص میشود. علت سرودن ده‌نامه‌ها را در دو بخش علت درونی و علت بیرونی میتوان تقسیم‌بندی نمود. منظور از علت درونی انگیزه‌های فردی سراینده است و علت بیرونی، تقاضای دیگران است که وی را بر آن داشته تا ده‌نامه

بسراید. بررسی اینکه آیا داستان عشقی که با همه فراز و نشیب‌هایش در هر ده‌نامه‌ها بیان شده، تجربه شخصی شاعر است و یا بر اساس شنیده‌ها و تجربیات دیگران سروده شده؛ نکته مهم دیگری است که در شناخت محتوای ده‌نامه‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر تأثیر بسزایی دارد. در ابتدای منظومه عاشق‌نامه، سبب نظم کتاب دیده نمی‌شود. ولی منظومه روح‌العاشقین در ایامی به رشته تحریر درآمده است که "شاه شجاع پس از آنکه برادرش شاه محمود بر سر پادشاهی ایالت فارس با او به منازعه پرداخت و به کمک سپاهیان آل‌جلایر وی را مغلوب کرده و از تخت فرمانروایی شیراز فرو کشید و به تبع این شکست ناگزیر به عزیمت به سوی ابرقو و سپس کرمان شد، در زمان دل‌آزدگی و رنجش به جهت جفای برادر و خویشان ناموافق برای افزایش امید و تقویت روحیه خود به سرودن اشعاری توجیهی پیرامون آن وقایع پرداخت و به گونه‌ای که خود می‌خواست داستان درگیری خود را با برادرش شاه محمود و اتفاقات سیاسی که به شکست وی و تبعیدش از گرگان انجامیده بود و نیز چگونگی یورش مجددش به شیراز و ظفر یافتن بر برادر که منجر به بازپس گرفتن شیراز و بیرون راندن نیروهای کمکی بیگانه از آن دیار شد و بار دیگر شاه شجاع را بر مسند فرمانروایی شیراز نشاند، در قالب ده‌نامه‌ای با رعایت تمامی اصول و ترتیب‌های لازم این نوع ادبی سرود." (ده‌نامه روح‌العاشقین چشم‌اندازی به وقایع عصرحافظ: ص ۶۰).

شاه شجاع در ایامی که توسط برادرش شاه محمود به کرمان تبعید شده به سرودن این ده‌نامه پرداخته است:

در ایامی که بختم خفتگی داشت	فلک با من سر آشفته‌گی داشت
دل‌م بر تاب بود و جان بر آذر	ز قول دشمن و فعل برادر
نهاده کار من رو در تباهی	نه گنج و ملک در دستم نه شاهی
کشیده لشکر محمود چون کوه	بدو از هر طرف خلقی به انبوه

(شاه شجاع: ص ۷۲)

شاه شجاع در این اوضاع و احوال آشفته‌ای که در کرمان داشته با سرودن ده‌نامه یادی از معشوق خویش میکند:

در آن روزان که بختم گشت ناساز	که چون بیرون شدم از شهر شیراز
هوای دلستانی در سرم بود	که از مهرش گدازان پیکرم بود
بر آن بودم که در کشور خدایی	کنم با او نهانی آشنایی

(همان: ص ۷۳)

در همین اثناءست که فتنه‌ای درمیگیرد و او عزم سیرجان میکند در حالیکه هنوز دلش درگروی یار بوده و در سر هوای عاشقی داشته:

فلک‌گویی به عیش من حسد برد	بسا کس کو به داغ این حسد مرد
زمانه ناگهان گردی برانگیخت	همه بر چشمه نوشاب من ریخت
فرس زیرم به عزم سیرجان بود	هم از جان و هم از دل سیرجان بود
به انواعم دل‌ار چه غرق خون بود	غم عشقم ز هر چیزی فزون بود

(همان: ص ۷۴)

اینگونه که از متن برمی‌آید و با توجه به شواهد تاریخی که گفته شد؛ شاه شجاع این ده‌نامه را در کرمان به یاد دلدار خویش سروده است و علت اصلی سرودن اثر برخاسته از انگیزه‌های درونی شاعر است.

۶-۱-۵- مدح ممدوح

تنها چیزی که به عنوان مقدمه در ابتدای عشاق‌نامه آمده، مدح شاه ابواسحاق است. عبید بدون اینکه اشاره‌ای به سبب نظم کتاب داشته باشد با کمترین و کوتاه‌ترین مقدمه - حدود ۲۰ بیت - وارد بدنه اصلی اثر میشود. ولی در مقدمه روح‌العاشقین، بخشی و یا ابیاتی با محوریت مدح ممدوح دیده نمیشود.

۶-۱-۶- منشاء داستان: تجربه شخصی شاعر یا شنیده‌های دیگران

عبید زاکانی تجربه عشقی خویش را در قالب منظومه عشاق‌نامه بیان نموده است: مرا دل در غم دلداری افکند به دام عشق گلرخساری افکند (کلیات عبید زاکانی: ص ۲۸۴)

شاه شجاع نیز داستان هواخواهی خودش و دلدارش را در طی ده‌نامه بیان نموده است: در آن روزان که بختم گشت ناساز که چون بیرون شدم از شهر شیراز هوای دلستانی در سرم بود که از مهرش گدازان پیکرم بود (شاه شجاع: ص ۷۳)

۶-۲- بدنه اصلی

۶-۲-۱- داستان

در منظومه عشاق‌نامه، ابتدا به عاشق شدن و گرفتار شدن دل‌عاشق نزد معشوق پرداخته میشود. عاشق مشتاق معشوق است و هر شب به کوی او میرود تا شبی از این شبهه معشوق صدای گریه و زاری و آه او را میشنود و از هم‌رهان و نزدیکان خویش علت صدا را جویا میشود.

مرا دل کشت فریاد از که خواهم اسیر دل شدم داد از که خواهم؟ ز دست دل شدم با غصه دمساز خدایا این دلم را چاره‌ای ساز (کلیات عبید زاکانی: ص ۲۸۳)

ولی در روح‌العاشقین به چگونگی عاشق شدن عاشق و مطلع شدن معشوق از عشق او پیش از فرستادن نامه اول پرداخته نمیشود و خواننده بلافاصله در جریان وجود عاشق و معشوق بدون زمینه قبلی قرار میگیرد. در واقع معشوق نمیداند که عاشق او را کجا دیده و چگونه دل‌باخته او شده. به همین دلیل است که از دیدن این میزان شیفتگی عاشق تعجب میکند:

ندانم من که چشمی روی من دید صبا کمتر شکنج موی من دید (شاه شجاع: ص ۷۷)

فضای ذهنی شاه شجاع در روح‌العاشقین، سخت تحت تاثیر نزاعی است که بر سر قدرت بین او و برادرش سلطان محمود به وقوع پیوسته. اینکه او از شیراز رانده شده و در کرمان

سکنی گزیده در حالیکه همه فکر و ذکرش معطوف به سلطنت شیراز است و به همین دلیل در ده‌نامه، حادثه عاشقانه‌ای را که برایش پیش آمده در اثنای بیان ماجرای رانده شدن از شیراز نقل میکند. «شاه شجاع در منظومه روح‌العاشقین تصریح میکند که در این روزهای تبعید و دور ماندن از شیراز، برای رهایی از غم و کاهش اندوه خود به سرودن ده‌نامه پرداخته است» (ده‌نامه روح‌العاشقین چشم‌اندازی به وقایع عصر حافظ: ص ۳۸).

وی در آغاز ده‌نامه‌اش در مورد اوضاع آشفته و حال پریشانی که در کرمان داشته سخن می‌گوید و بعد از اینکه با وجود همه شرایطی که علیه‌اش بود توانسته بر دشمن پیروز شود خدا را سپاس می‌گوید:

بحمدالله که ایزد داد یاری که بازم با کف آمد شهریاری
به من فضل خدای غیب‌دان کرد که پیروزم دگر بر دشمنان کرد
(شاه شجاع: ص ۷۳)

سپس یادی از عشقی که در شیراز داشته میکند و اینکه در ایام تبعید و دوری، درد هجران کشیده فضای ده‌نامه از اینجاست که به طور محسوسی عاشقانه میشود، البته در حد چند بیت و مجدداً به ادامه تعریف ماجرای خصومت با برادرش می‌پردازد:

کنم بنیاد عشق از نو ز آغاز به جان از چشم جانان میکشم ناز
اگر چه عشق کار پادشاهی است طریق سیرت کشور خدایی است
ولی نبود ز عشق اندر جهان به نبینم هیچ قوم از عاشقان به
نداند بی‌خبر کش عاشقی چیست مدانش زنده کو بی‌عاشقی زیست
شباب و عاشقی و پادشاهی چو جمع آمد ازین خوش‌تر چه خواهی
فلک‌گویی به عشق من حسد برد بسا کس کو به داغ این حسد مرد
از آن بازی که ما را در میان است چه رانم قصه مشهور جهان است
(همان)

بنابر قول شاه شجاع، در ایام تبعید بیشترین چیزی که او را آزار می‌داده غم دوری از یار بوده:

به انواعم دل ارچه غرق خون بود غم عشقم ز هر چیزی فزون بود
چو شمعم اندرونی آتشین بود که دل با داغ دوری همنشین بود
همی‌راندم به کوه و دشت چون باد همی‌کردم ز هجر دوست فریاد
سرشکم باره را در نعل میشد ز رنگش نعل باره لعل میشد
(شاه شجاع: ص ۷۴)

اعتقاد به تأثیر کواکب در سعادتمندی و لزوم بیرون رفتن ستاره اقبال از وبال، برای نیل به مقصود، عقیده رایجی است که عشاق‌نامه و روح‌العاشقین بازتاب بارزی داشته‌است:

وبال از اختر بخت برون رفت بگویم با تو آن روشن که چون رفت
تو را زان بود آن طالع گرانی که با تو داشتم نامهربانی
(شاه شجاع: ص ۹۴)

در عشاق‌نامه، معشوق نیز خیلی زود _ به نسبت منظومه روح‌العاشقین که در طی چندمین نامه بالاخره معشوق منعطف میشود و مهربانی پیشه میکند- به عشق خود اقرار میکند و ترتیب وصال داده میشود.

نکته قابل توجه دیگر در روح‌العاشقین به کارگیری مضامین آیات قرآن است، به گونه‌ای که علاوه بر قسمت ابتدایی ده‌نامه یعنی توحید حق تعالی و نعت رسول اکرم، در بدنه اصلی آن نیز در نامه‌های هفتم و هشتم تلمیح به آیات قرآن دیده میشود که این مسأله بیانگر الفت و آشنایی شاه شجاع با قرآن کریم و قدرت و طبع شاعرانه او در بازتاب آن مفاهیم در کلام خویش است.

در ده‌نامه‌ها، پس از هر نامه و غزلی که به دنبال آن می‌آید؛ بیتی با عنوان فرد ذکر میشود که در روح‌العاشقین با نام «مثنوی» مشخص شده است. در عشاق‌نامه، بیت فرد وجود ندارد. بعلاوه مثل «بر آهن سرد کوبیدن» در هر دو منظومه دیده میشود:

بگو: لطفی بکن زین کوی برگرد
چنین تا چند کوبی آهن سرد؟
(کلیات عبیدزاکانی، ص ۲۹۴)

مکوب ار عقل داری آهن سرد
تو تنها و ره آشوبست و پرگرد
(شاه شجاع: ص ۸۷)

در روح‌العاشقین (و سایر ده‌نامه‌ها) وصال پایان داستان است ولی در عشاق‌نامه عبید، داستان به وصال ختم نمیشود. پس از وصال، فراقی رخ میدهد. عاشق پس از فراق باز برای معشوق پیام میفرستد که در این قسمت، پیک نامه، باد صباست نامه‌ای که در ادامه‌اش غزلی ندارد و در آن تقاضای عاشق برای بازگشتن معشوق مضمون بارز نامه است. نامه‌ای که پایان بخش داستان است در ادامه آن به جواب معشوق و سرانجام این نامه نگاری پرداخته نمیشود و داستان با مناجات عاشق با خداوند مبنی بر بازگشت دوباره معشوق، پایان مییابد.

۶-۲-۲- نامه‌ها

ساختار منظومه روح‌العاشقین در این بخش به صورت زیر است: نامه- غزل- مثنوی (بیت فرد)- مصدوقه و تمامی سخن. این ساختار در همه نامه‌های روح‌العاشقین رعایت شده است، جز این که نامه‌های ششم و هفتم یک بخش افزون بر نامه‌های دیگر دارند که عنوان آن «حکایت» است. ولی این ساختار در عشاق‌نامه دیده نمیشود زیرا عبید زاکانی نه بعد از هر نامه، بلکه تنها به ضرورت از غزل استفاده کرده‌است و بیت فرد و مصدوقه و تمامی سخن نیز در این منظومه دیده نمیشود.

نامه‌ها در هر دو منظومه عشاق‌نامه و روح‌العاشقین، از سوی عاشق و معشوق به یکدیگر ارسال میشود و بنابراین جزو ده‌نامه‌های دوسویه محسوب میشوند. اولین نامه در هر دو منظومه، از سوی عاشق فرستاده میشود.

شاه شجاع در ابتدای نامه اول، طی ۱۵ بیت وصف معشوق و زیبایی‌های ظاهری او را به نهایت میرساند و از او تعریف و تمجید میکند و به او میگوید که حتی قصد داشته شامی بر کوی او گذر کند. ولی در همین اثناست که قضا بازی‌ای را آغاز میکند که شاه شجاع مقهور

آن می‌گردد و استیصال او به حدی میرسد که تصمیم می‌گیرد شاهی را ترک گوید ولی با اندرزهای «غیرت» دوباره عزمش را برای گرفتن حق خویش جزم می‌کند. شاه شجاع بنابر این توصیه غیرت، برای گرفتن حق خویش دلگرم می‌شود ولی تنها چیزی که او را آزار میدهد عشق یار است. در مصدوقه و تمامی سخن از یار می‌خواهد حال که دوران با او سر یاری ندارد لااقل وی در حق او لطف کند و از شیراز به کرمان آید.

نامه‌های شاه شجاع، خصوصاً نامه اول، صرفاً عاشقانه نیست بلکه در طی آن به اتفاقات سیاسی که رخ داده و فکرش را به نوعی درگیر کرده است نیز با یار سخن می‌گوید و گویی بیشتر قصد توجیه اتفاقات سیاسی را دارد و می‌خواهد در خلال نامه از کارآمدهای خودش تعریف کند. نکته جالب دیگر این است که کلماتی که برای وصف و تمجید معشوق انتخاب نموده با مشرب شاهانه‌اش تناسب قابل توجهی دارد:

الا ای پرتو نور الهی الا ای گلبن بستان شاهی
مه خوبان شه شیرین دهانان دلفروز همه لاغر میانان
کله‌دار کمربندان عالم به خوبی تاج فرزندان عالم
(شاه شجاع: ص ۷۴)

نامه اول در عشاق‌نامه از نظر ساختار و محتوا بسیار شبیه نامه اول در روح‌العاشقین است. نامه‌ای که در آن از معشوق می‌خواهد به حال او ترحم کند:

اسیر زلف مشکین تو گشتم ترحم کن چو مسکین تو گشتم
دل‌م پر جوش و تن پرتاب تا کی ز حسرت دیده پر خوناب تا کی؟
(کلیات عبیدزاکانی: ص ۲۸۸)

واکنش معشوق در دریافت اولین نامه از جانب عاشق در هر دو منظومه، منفی است. در منظومه عاشق‌نامه، معشوق از دیدن اینکه چنین فردی دیوانه‌وار به او اظهار عاشقی مینماید اکراه دارد و اعراض می‌کند.

بدین سان کاوست یاری را نشاید چنین دیوانه را زنجیر باید
که جوید با چنین کس آشنایی شکستش را که سازد مومیایی؟
(کلیات عبیدزاکانی: ص ۲۸۷)

چو زلف خویشتن ناگه برآشت بتندید و در آن آشفستگی گفت
(همان: ص ۲۸۹)

معشوق شاه شجاع نیز پس از دریافت نامه واکنش مثبتی ندارد و از دیدن نامه اول آشفته و خشمگین می‌شود.

چو بشنید این سخن معشوق سرکش شد از باد هوا مانند آتش
(شاه شجاع: ص ۷۶)

اما موضع معشوق در روح‌العاشقین، سراسر نهی و سرگرانی نیست بلکه در ابتدای نامه نسبت به عاشق - شاه شجاع - ملاطفت و محبت دارد و اگر او را از عشق منع می‌کند دلیلش منفعت شاه بر بازستاندن قلمرو خویش است. معشوق با وجود این شرایط - دوری

شاه از مرکز فرمانروایی‌اش به جور برادر - زمان را برای عشقبازی مناسب نمیداند و معتقد است که اکنون زمان انجام کارهای مهمتری است.

صبا را گفت رو برگرد از این راه گرت کرمان بود روزی گذرگاه
بگو با آن هوس باز نظر دوست که همچون طفل می‌داری شکر دوست
تو را این عشقبازی نیست هنگام مگر مستی ندانی صبح از شام
نتابد عاشقی کشور خدایی که دور افتاد عشق از پادشاهی
نصیحت با تو هیچ اکنون نگویم چو بر تو مهرانم چون نگویم
تو را آن به که در عشقم نیچی ره و رسم جهان‌داری بسیچی
(شاه شجاع: ص ۷۷)

در منظومه روح‌العاشقین شاه شجاع، مطالب سیاسی در خلال داستان و نامه‌ها گنجانده شده است و همانطور که خود شاه‌شجاع نیز اشاره نموده در این ده‌نامه مجرای درگیری وی با برادرش محمود بر سر حکومت شیراز انعکاس یافته‌است. در واقع شاه شجاع «داستان درگیری خود را برادرش شاه محمود و اتفاقات سیاسی که به شکست وی و تبعیدش از کرمان انجامیده بود و نیز چگونگی یورش مجددش به شیراز و ظفر یافتن بر برادر که منجر به باز پس گرفتن شیراز و بیرون راندن نیروهای کمکی بیگانه از آن دیار شد و بار دیگر شاه شجاع را بر مسند فرمانروایی شیراز خیر البقاع نشاند، در قالب ده‌نامه‌ای با رعایت تمامی اصول و ترتیبهای لازم این نوع ادبی موسوم به روح‌العاشقین سرود. (ده‌نامه‌روح‌العاشقین چشم‌اندازی به وقایع عصرحافظ: ص ۶۰) به طوری که این مسأله بخشی از نامه‌هایی که او و معشوق به هم می‌نویسند را به خود اختصاص داده‌است تا جایی که شاه شجاع در نامه سوم چنین درخواست میکند:

تو خود زین گفتگو خاطر جدا کن حدیث جنگ و کین ما رها کن
سخن از زلف و خال خویشتن گوی حکایت مختصر چون آن دهان گوی
(شاه شجاع: ص ۷۹)

عاشق در طی نامه‌هایی که مینویسد دائماً ابراز محبت مینماید و با دیدن سرگرانیهای معشوق سست نمیگردد و حتی در نامه چهارم، معشوق بنا به ضرورت و مصلحت اندیشی برای تدبیر مملکت، شاه شجاع را از عشق‌ورزی منع مینماید:

تمناهای خام از چیست باری هوس بازی تو را ناید به کاری
کنون سازت کمند و اسب و تیغست تو مستی عشق میورزی دریغ است
(شاه شجاع: ص ۸۲)

و با جایی که از سوی معشوق متهم به داشتن کبر و غرور شاهانه می‌گردد:
ولیکن عشق را شیوه نیاز است تو را در سر ز شاهی کبر و ناز است
(شاه شجاع: ص ۹۰)

در عشاق‌نامه و روح‌العاشقین، به این نکته که دلیل بی‌مهری و سرگرانیهای یار سنجیدن عیار صدق عشق عاشقان است اشاره شده و معشوق به این وسیله رفتار نامهربان پیشین خویش را توجیه میکند و از در دوستی با عاشق درمی‌آید.

اگر گه‌گاه نازی مینمودم عیارش در وفا می‌آزمودم
(کلیات عبید زاکانی: ص ۲۹۵)
تو را در عاشقی می‌آزمودم معاذالله که بدخواه تو بودم
(شاه شجاع: ص ۹۴)

۶-۲-۳-قاصد

در ده‌نامه‌ها، وظیفهٔ رساندن نامه بر عهدهٔ عناصر طبیعت و به طور کلی باد صبا است. «نامه بر دست یکی از عناصر طبیعت مانند آفتاب و باد و یا مصنوعات بشری همچون شانه و آئینه فرستاده میشود» (ده‌نامه‌گویی در ادب فارسی: ص ۵۲۵). اما در منظومهٔ عشاق‌نامه، عاشق به وسیله عقابی تیزپرو اولین نامه را برای معشوق می‌فرستد.

چو بر دل شد ز غم راه نفس تنگ به صد افسون و صد دستان و نیرنگ
عقابی تیز پر را رام کردم به سوی آن صنم پیغام کردم
(کلیات عبید زاکانی: ص ۲۸۷)

در حالیکه در روح‌العاشقین، قاصد باد صباست. البته در ابتدا، به طور صریح اشاره‌ای به پیک‌نامه‌بر تا قبل از سرودن نامه نمیشود. در مصدوقه و تمامی سخن در ضمن کلام به اینک‌باد بهاری قاصد است اشاره میشود:

چو شد باد بهاری تا به شیراز فرو گفتش بگو آهسته این راز
(شاه شجاع: ص ۷۶)

در منظومهٔ عشاق‌نامه، خصوصاً در نامه سوم قاصد نقش پررنگتری دارد و خیلی زود شروع به نصیحت معشوق میکند:

به دل‌داری دل مردم به دست آر کسی را تا توانی دل میازار
مرنجان آن غریب ناتوان را کسی دشمن ندارد دوستان را
(کلیات عبید زاکانی: ص ۲۹۳)

در حالیکه در روح‌العاشقین و سایر ده‌نامه‌ها اگر قرار بر وساطت قاصد باشد در نامه‌های پایانی این اتفاق می‌افتد. در واقع قاصد در روح‌العاشقین صرفاً نقش خبررسانی دارد و در پیشبرد داستان نقش مؤثری فراتر از این ندارد.

۶-۲-۴- محل آمدن غزلها و حکایتها

ویژگی جالب توجه ده‌نامه‌ها که آنها را به طرز قابل ملاحظه‌ای از سایر منظومه‌ها متمایز می‌گرداند، اینست که در پایان هر نامه که در قالب مثنوی سروده شده است، غزلی در ادامه سخن عاشق یا معشوق آمده که این غزلیات بر همان وزن مثنوی هستند. به این صورت در هر «ده‌نامه»، ده غزل دیده می‌شود. «هر یک از نامه‌ها با مقدمات و مؤخراتی همراه است و در متن هر نامه هم غزلی بر وزن منظومه و با رعایت قافیه سروده شده است» (ده‌نامه‌گویی در ادب فارسی: ص ۵۲۵).

بعضی شعرا به خاطر تنوع و زیبایی کلام و تأثیرگذاری بیشتر و گریز از یکنواختی و ملال آوری اثر، دست به ابتکار زده قالبهایی چون غزل و ... را وارد مثنوی می کردند. ظاهراً اولین کسی که در لا به لای مثنوی غزل به کار برده است عیوقی در منظومه ورقه و گلشاه می‌باشد. در عشاق‌نامه آوردن غزلها، روال منظم و قابل انتظاری ندارد بلکه به فراخور نیازی که شاعر از نظر روحی و ذوقی احساس نموده آنها را در خلال مثنوی به کار گرفته است؛ بر خلاف روح العاشقین که دقیقاً پس از هر نامه، غزلی از زبان فرستنده پیام ذکر می‌شود.

در عشاق‌نامه عبید زاکانی، در دو مرحله عاشق برای معشوق پیام می‌فرستد، یک بار پیش از وصال و بار دیگر پس از فراق. در مرحله اول - پیش از وصال - مجموعاً سه نامه رد و بدل می‌شود که در انتهای دو نامه از آنها یکی از زبان عاشق و دیگری از زبان معشوق، غزلی آمده است که از نظر ساختاری این بخش از داستان بیشترین قابلیت انطباق با روح العاشقین را دارد. ۴ غزل دیگر در طی داستان برای بیان احساسات عاشق در شوق وصال یا اندوه فراق، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در میان این غزلیات، غزل اول با داشتن ۵ بیت کوتاهترین آنها و غزل ششم با داشتن ۸ بیت طولانیترین غزل است. در روح العاشقین دو حکایت (در نامه های ششم و هفتم) دیده می‌شود ولی عشاق‌نامه از وجود حکایت عاری است.

۶-۳- خاتمه کتاب

پس از پایان بدنه اصلی داستان، بخشی تحت عنوان «در خاتمت کتاب» آمده است. در این قسمت شاعر به تعداد ابیات اثر خویش، تاریخ و سال سرودن آن و نیز نام اثرش اشاره می‌کند.

۶-۳-۱- تاریخ و سال سرودن

به بهتر طالع و فرخنده‌تر فال دوم روز از رجب در نون الف ذال

به نظم آوردم این درد دل ریش به هر کس باز گفتم قصه خویش

(کلیات عبید زاکانی: ص ۳۱۴)

ز هجرت هفتصد و شصت و دگر هشت به دوران هلالی سال بگذشت

(شاه شجاع: ص ۱۰۲)

۶-۳-۲- تعداد ابیات

دو هفته هفتصد بکر از عماری برآوردم چو خاطر کرد یاری

(کلیات عبید زاکانی: ص ۳۱۶)

به تعداد ابیات ، در بخش خاتمه روح العاشقین اشاره ای نشده است.

۶-۳-۳-وجه تسمیه (نام کتاب)

چو کوتاه کردم از تحریر خامه نهادم نام این «عشاق نامه»

(عبید زاکانی: ص ۳۱۶)

چو نور عشق تابید از جبینش نهادم نام «روح العاشقینش»

(شاه شجاع: ص ۱۰۳)

۶-۳-۴-دعای پایانی

در عشاق نامه:

کسی را پلی دل در گل مبادا چنین کار کسی مشکل مبادا

(کلیات عبید زاکانی: ص ۳۱۶)

و در روح العاشقین:

الها، قادرا، پاکا، خدایا سميعاً للدعا رب البرايا

به سر اسرار خود را با تو گویم خداوندم تویی پس از که جویم

زبان بی زبانان نیک دانی چه حاجت گفتنم راز نهانی

به دنیا و به عقبی بوالفوارس هدایت جان او را ساز حارس

(شاه شجاع: ص ۱۰۳)

در پایان منظومه عشاق نامه (برخلاف روح العاشقین و سایر ده‌نامه ها که مناجات در آغاز و قسمت مقدمه، وجود داشت) مناجات وجود دارد:

خداوندا اگر چه دورم از یار ازو نبریده‌ام امید یک بار

قضا دستم ز وصلش کرد کوتاه قدر ببرید ناکامم زدلخواه

به فضلت همچنان امیدوارم که اومیدم نهی اندر کنارم

بدان خورشید خوبانم رسانی گلم در باغ شادی بشکفانی

(کلیات عبید زاکانی: ص ۳۱۵)

۶-۳-۵-غرض از سرودن

شاعر در قسمت خاتمه کتاب به غرض اصلی خود از سرودن این مثنوی اشاره میکند:

غرض آن بود که این ابیات دلسوز به دست بیدلان افتد یکی روز

مگر کز سوز دل روزی به جایی کند صاحب‌دلی بر من دعاوی

ببخشد حق بدین دلسوزی من مگر کان ماه گردد روزی من

(کلیات عبید زاکانی: ص ۳۱۵)

چو بشنیدم حدیث طبع ادراک ز غیر دوست کردم خانه را پاک

همه راز درون با خامه گفتم بقدر وسع یک ده نامه گفتم

غرض بودست ازین دفع الملالی دماغم پخت ازین صورت خیالی

(شاه شجاع: ص ۱۰۲)

۶-۳-۶- نامساعدی اوضاع و احوال در حین سرودن و عذرخواهی از خواننده

عبید نیز به مانند ده‌نامه‌سرایان به نامساعدبودن احوال خویش در حین سرودن این اثر اشاره نموده‌و از خواننده به خاطر معانی آشفته موجود در آن - البته بر سبیل تواضع - عذرخواهی میکند:

سخن سازان که دل پر نور دارند من دیوانه را معذور دارند
دلی پر درد و بختی خفته دارم دماغی همچو دل آشفته دارم
ز ما داندلان معنی نجویید دماغ آشفته‌گان آشفته گویند
(کلیات عبید زاکانی: ص ۳۱۵)

در آن مدت که دوران هلالی مرا میداشت در آشفته حالی
پیشان دل چو زلف دلبران بود چو چشم ماهرویان ناتوان بود
حمایل زیر تخت‌م زین گسسته فتاده از کفم جام و شکسته
(شاه شجاع: ص ۱۰۲)

۷- نتیجه گیری

ده‌نامه‌ها نوعی منظومه‌های غنایی و جزو ادبیات غنایی محسوب میشوند که بیشتر آنها حاوی ده نسخه‌نامه، از زبان عاشق و معشوق به یکدیگر هستند. این آثار دارای ساختار زیر هستند: مقدمه (تحمید الهی و نعت سیدالمرسلین، اغلب مدح یکی از بزرگان عصر، سبب نظم کتاب و مناجات) بدنه اصلی (ده‌نامه عاشق و معشوق به هم) و خاتمه‌الکتاب (تاریخ و سال سرودن، تعداد ابیات، وجه تسمیه (نام کتاب)، دعای پایانی

عشاق‌نامه عبید زاکانی عنوان ده‌نامه ندارد ولی با توجه به ساختار آن (ترکیب غزل و مثنوی) و محتوای آن (پیام عاشقانه از طریق پیک فرستادن در قسمتی از آن) و نیز قرن سروده شدن آن - قرن هشتم که اوج رواج ده‌نامه‌سرایایی بوده - و نیز اینکه بر وزن رایج ده‌نامه‌ها سروده شده در نظر بعضی به عنوان ده‌نامه مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول مقایسه ساختار کلی منظومه‌های عشاق‌نامه و روح‌العاشقین

منظومه	تعداد ابیات	بحر عروضی	موضوع	مقدمه	بدنه اصلی	خاتمه
عشاق‌نامه	۷۰۰ بیت	هزج مسدس محذوف	عشق	ناقص (تنها مدح ممدوح)	کامل (ولی متفاوت)	کامل (۱۳ بیت)
روح‌العاشقین	۷۳۳ بیت	هزج مسدس محذوف	عشق (وسایست)	کامل	کامل	کامل (۳۶ بیت)

تنها مطلبی که در بخش مقدمه عشاق‌نامه دیده میشود، مدح ممدوح است ولی روح‌العاشقین شاه شجاع کرمانی، تمامی قسمتهای ساختار مقدمه‌های ده‌نامه‌ها را دارا است:

در عشاق‌نامه، ابتدای داستان به شرح بی‌تاب بودن عاشق برای وصال معشوق پرداخته میشود. اما در روح‌العاشقین، اینکه رابطه عاشقانه چگونه و کجا شکل گرفته مشخص نیست فقط از عاشق شدن عاشق و عوارض آن سخن گفته میشود. همانند روح‌العاشقین، در عشاق‌نامه نیز معشوق دلیل بی‌مهری و ناز کردن‌هایش را سنجیدن عشق عاشق بیان میکند. نامه‌ها در عشاق‌نامه و روح‌العاشقین، از نظر ساختاری شبیه هم هستند و دارای قالب مثنوی - غزل هستند. البته در عشاق‌نامه تعداد غزل کمتری (۶ غزل) وجود دارد که به طور نامنظم ذکر شده است.

اینکه در انتهای این مثنوی بخشی تحت عنوان «در خاتمه کتاب» آمده و در آن مسائلی نظیر تعداد ابیات تاریخ سرودن و نام کتاب ذکر شده از نظر ساختاری و محتوایی شباهت قابل ملاحظه‌ای با بخش «خاتمه کتاب» در ده‌نامه‌ها دارد.

با در نظر نگرفتن وجوه افتراقی که ذکر شد - چه از نظر ساختاری و چه از نظر محتوایی - به خاطر وجود شباهتهایی چون موضوع عاشقانه، پیام فرستادن عاشق از طریق قاصد، وزن مشترک، داشتن خاتمه در انتهای داستان، ترکیب غزل و مثنوی در داستان و داشتن سه شخصیت عاشق معشوق و قاصد در این داستان هر چند نمیتوان دقیقاً این اثر را ده‌نامه دانست، ولی میتوان آن را تحت تأثیر این نوع ادبی و از نظر موضوعی و تا حدی ساختاری در حیطه آن پذیرفت.

منابع و مأخذ

- ۱- تاریخ ادبیات در ایران، (۱۳۷۲) صفا، ذبیح‌الله، جلد سوم، بخش اول و دوم، چاپ نهم، انتشارات فردوس
- ۲- خسرو و شیرین، (۱۳۷۹) نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، به تصحیح حسن وحید دستگردی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سوره مهر.
- ۳- ده‌نامه روح‌العاشقین چشم‌اندازی به وقایع عصر حافظ، (۱۳۸۸) باقری، مهری، چاپ اول، تهران، نشر قطره،
- ۴- ده‌نامه‌گویی در ادب فارسی»، (۱۳۵۴) عیوضی، رشید، «نشریه دانشکده ادبیات علوم انسانی تبریز، شماره ۱۱۶، زمستان ۱۳۵۴.
- ۵- کلیات عبید زاکانی، (۱۳۸۲) عبید زاکانی، عبیدالله، به کوشش پرویز اتابکی، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوار، مقاله:

۱- بررسی و تحلیل نامه نگاریهای عاشقانه در دو منظومه "خسرو و شیرین و لیلی و مجنون" نظامی و مقلدانش (۱۳۹۷)، مارال غلامی کوتنانی و ناصر علیزاده، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره پیاپی ۳۹، صص ۲۲۵-۲۴۴

۲- «سبک‌شناسی ده‌نامه‌ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی» (۱۳۹۰) تاج بخش، اسماعیل و هیوا حسن پور. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). ش ۲. صص ۲۰۰-۱۸۳. ۱۳۹۰